

خدیجه؛ راه توسل به پیامبر اسلام

«پشت هر مرد موفقی یک زن وجود دارد!»؛ شاید این یک جمله شعاری به نظر برسد اما با بررسی زندگی همسران بزرگترین اشخاص تاریخ درمی‌یابیم که جمله حکیمانه‌ای است.



همشهری دو - امیر حسین ثمالی: «پشت هر مرد موفقی یک زن وجود دارد!»؛ شاید این یک جمله شعاری به نظر برسد اما با بررسی زندگی همسران بزرگترین اشخاص تاریخ درمی‌یابیم که جمله حکیمانه‌ای است.

یک زن می‌تواند در جایگاه همسری و مادری خود به چنان منبع الهام‌بخشی برای تک‌تک اعضای خانواده تبدیل شود که آنها را به اکسیری برای جامعه بدل سازد و از آنها نیروهای فعالی بسازد. زمانی هم که یک عنصر فعالیت اجتماعی با چاشنی مبارزه و هدایت پیش برود، نیاز عاطفی‌اش دوجندان خواهد بود و نبود آن می‌تواند تبعات بدی برای همسر او به همراه داشته باشد. بررسی زندگانی پر فراز و نشیب پیامبر اسلام با حضرت خدیجه نیز نشان از آن دارد که بانوی بزرگ تاریخ اسلام، پناهگاهی سترگ برای شخص رسول گرامی اسلام بوده و همراهی وی با پیامبر اسلام از خانه و خانواده تا بستر اجتماع، کمک فراوانی به رسول خدا کرده است. هر چند که اطلاعات تاریخی موجود در رابطه با زندگانی و زمانه حضرت خدیجه جامع نیست اما در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر جواد سلیمانی (استاد تاریخ اسلام) به جنبه‌هایی از زندگی حضرت خدیجه پرداختیم که یادآوری آن می‌تواند برای هر بانویی (بانوی خانه‌دار یا بانوی فعال اجتماعی) بسیار جالب توجه باشد.

آنطور که منابع تاریخی نشان می‌دهند اطلاعات تاریخی جامعی در مورد زندگانی و احوالات حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها) وجود ندارد! علت نبود آثاری درخور درباره این بانوی بزرگوار اسلام چیست؟

در پاسخ به این سؤال باید در نظر داشته باشیم نخستین کتابی که در رابطه با سیره پیامبر اسلام نگاشته شده مربوط به ابن‌اسحاق یا ابن‌هشام است که تاریخ آن به نیمه دوم قرن دوم هجری (حدود سال 150 هجری) می‌رسد. قبل از این کتاب، تاریخ مکتوبی در رابطه با سیره وجود ندارد و علاوه بر این در رابطه با عصر جاهلیت نیز اثر مکتوبی وجود ندارد؛ فقط به مناسبت نگارش سیره که مقدمه آن در مورد دوره جهالت است، اطلاعاتی از آن دوره تاریخی به دست ما رسیده است.

این موضوع در مورد شرح زندگانی و احوالات حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها) نیز صدق می‌کند و تاریخ مربوط به زندگی او را از زمانی که به همسری رسول گرامی اسلام درآمد (در قالب نگارش سیره) در اختیار داریم و از این پس است که در مورد ایشان در تاریخ حرفی در میان است. اما پیش از این تاریخ، نه تنها در رابطه با حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها) بلکه در مورد بسیاری از رجال تاریخ اسلام و قریش اطلاعاتی وجود ندارد.

با توجه به همین منابع چه اطلاعات اولیه‌ای از کلیات شخصیت حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها) وجود دارد؟

آنطور که منابع تاریخی نشان می‌دهد، ایشان از جمله بانوان شریف و متشخص مکه بوده و مورد توجه سران قریش قرار داشته. وی زنی بود که به پاکدامنی، ثروت و بزرگ‌منشی شناخته می‌شد، به طوری که بزرگان قریش بارها به خواستگاری وی رفته بودند اما او حاضر به قبول همسری آنها نمی‌شد.

با توجه به خواستگاری بسیاری از سران قریش و امتناع حضرت خدیجه، چه شد که محمد امین جوان، مورد توجه و اقبال وی قرار گرفت؟

این موضوع زمانی محقق شد که در یک ماجرای اقتصادی این دو شخص بیشتر با یکدیگر آشنا شدند که در اینجا 2 نقل وجود دارد: برخی آورده‌اند که آن 2 بزرگوار در یک سفر اقتصادی با یکدیگر آشنا شدند و برخی نیز گفته‌اند که حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها) سرمایه‌ای را در اختیار پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله) قرار داد تا با آن کار اقتصادی کنند. پس از این رفت‌وآمدها و اوصاف پدیدار شده از سوی پیامبر اسلام بود که حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها) نسبت به پیامبر اسلام ارادت پیدا کرد و نسبت به ازدواج با او موافقت کرد.

آیا مسئله اختلاف سنی یک مانع اجتماعی برای آنها نبود؟

در آن زمان مسئله اختلاف سنی مورد توجه اعراب نبود چراکه بنابر مستندات تاریخی در همان دوره و حتی سال‌ها پس از ظهور اسلام نیز پیش می‌آمد که یک مرد مسن با زنی بسیار جوان ازدواج می‌کرد یا اینکه یک مرد جوان با زنی مسن ازدواج می‌کرد. از همین جهت زمانی که حضرت رسول(ص) از حضرت خدیجه خواستگاری کرد، ایشان نیز پذیرفت و این ازدواج سرگرفت.

صرف پذیرش این ازدواج نشان می‌دهد که حضرت خدیجه(سلام‌الله‌علیها) اهل فضل و مکارم اخلاقی بوده چراکه رسول گرامی اسلام در آن زمان ثروتی نداشت بلکه تنها متعلق به یک خاندان شناخته‌شده(بنی هاشم) بود و مراتب اخلاقی و معنوی وی مورد توجه همگان قرار داشت. حضرت خدیجه نیز از آنجا که مسائل معنوی برایش دارای اهمیت بود و ارزش عرفان را درک می‌کرد، قیمت اصلی این ازدواج را درک کرده بود.

در غیراین صورت، حضرت خدیجه می‌بایست به ازدواجی تن می‌داد که حداقل جنبه مادی قابل توجهی برای وی دربرمی‌داشت چراکه او به ثروتمند بودن در مکه شهرت داشته و طبیعتاً ازدواج او در سن 40 سالگی با جوانی در سن 25 سالگی معنای دیگری می‌دهد. البته پیش از پذیرش ازدواج، خوابی هم دید که در قبول خواستگاری پیامبر بی‌تأثیر نبود.

چه خوابی؟

او در همان ایام در عالم خواب و رؤیا دید که خورشید در حیاط خانه‌اش است. در منابع تاریخی آمده است که در تعبیر این خواب، حضرت خدیجه(سلام‌الله‌علیها) گفت که با شخصی ازدواج خواهد کرد که نام او مانند خورشید در عالم فراگیر خواهد شد.

آیا در مورد شیوه خواستگاری پیامبر(ص) از حضرت خدیجه نیز منابع تاریخی، مطلبی آورده‌اند؟

این خواستگاری توسط ابوطالب(عموی پیامبر) صورت پذیرفت. در آن طرف هم شخصی به نام «ورقه بن نوفل» از سوی حضرت خدیجه(سلام‌الله‌علیها) در مراسم خواستگاری شرکت کرد. وی یکی از علمای ادیان(غیر از اسلام) بود و در آن مجلس از سجایای اخلاقی دوطرف گفت و ازدواج پا گرفت.

مخالفتی از سوی خانواده حضرت خدیجه وجود نداشت؟

خیر! مخالفتی وجود نداشت، به‌خصوص آنکه تصمیم‌گیرنده اصلی شخص حضرت خدیجه(سلام‌الله‌علیها) بود و او از لحاظ شخصیتی در حدی بود که نیازی به قیم نداشت و نظر خودش مهم بود.

یکی از نکاتی که در رابطه با حضرت خدیجه وجود دارد به مسئله ازدواج ایشان پیش از ازدواج با رسول گرامی اسلام مربوط می‌شود. آیا این موضوع صحت دارد؟

نظر مشهور تاریخی این است که حضرت خدیجه(سلام‌الله‌علیها) پیش از ازدواج با پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) ازدواج دیگری نیز انجام داده بود اما از آن ازدواج صاحب فرزند نشد و پس از ازدواج با پیامبر اسلام بود که صاحب دخترانی به نام‌های رقیه، ام‌کلثوم، زینب و حضرت فاطمه زهرا و پسرانی به نام‌های طاهر و قاسم شد.

اما نقل دیگری هم وجود دارد که وی ازدواج نکرده و آن دختران خواهرزاده‌های وی بودند که پس از ازدواج با پیامبر اسلام نیز تحت تکفل وی قرار داشتند و به خانه پیامبر اسلام آمدند. از این جهت آنها را «ربیبه»(پرورش یافته) پیامبر اسلام می‌دانند. علی‌ای حال نقل مشهور می‌گوید که اینها دختران پیامبر(ص) بودند که زینب در زمان جاهلیت و 2 تن دیگر پس از اسلام ازدواج کردند.

آغاز این زندگی مقدس چگونه بود؟ مثلاً آیا رسول خدا در آن زمان خانه‌ای برای خود داشتند؟

اینکه در ابتدای ازدواج، رسول خدا خانه‌ای داشتند یا خیر؟ مسئله‌ای نیست که در منابع تاریخی اطلاعات خاصی در رابطه با آن وجود داشته باشد اما قدر مسلم آن است که خانه‌دار بودن در آن زمان به سرمایه آنچنانی نیازی نداشت بلکه ساختن خانه به اندکی خاک و آب(برای ساختن گل) و اندکی کار نیاز داشت. خانه‌ها متشکل از 2 اتاق تودرتو بودند و برای در و سقف خانه نیز یک لیف خرما کفایت می‌کرد. بنابراین خانه‌دار بودن پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) امر بعیدی به‌نظر نمی‌رسد. در تاریخ هم نداریم که تا پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه، کسی از مسلمانان مستأجر بوده باشند و تنها پس از رفتن به مدینه بود که

مهاجران بی‌خانمان ماندند و آنها هم پس از مدت کوتاهی (از محل غنائم) صاحب خانه شدند.

علاوه بر این، روایتی از رسول خدا (ص) وجود دارد که خانه‌دار بودن ایشان در زمان سکونت در مکه را نشان می‌دهد. ایشان زمانی که پس از فتح مکه به دیار خود بازگشتند، فرمودند که «عقیل برای ما خانه‌ای در مکه باقی نگذاشت و آن را فروخت» که نشان می‌دهد ایشان در زمان بعثت (و زمان حیات حضرت خدیجه) دارای منزل بوده‌اند اما اینکه این خانه دقیقاً در چه زمانی ساخته شده مشخص نیست.

اما منابع تاریخی به ما می‌گویند که رسول خدا از وضع مالی مناسبی برخوردار بوده‌اند تا جایی که یک‌بار در مکه قحطی به‌وقوع می‌پیوندد و عموی ایشان ابوطالب از گذراندن زندگی خود ناتوان می‌ماند. در این زمان رسول خدا (ص) به‌دلیل تمکن مالی، مسئولیت و تکفل حضرت علی (علیه السلام) را بر عهده می‌گیرند که این موضوع نیز توانمندی مالی پیامبر اسلام در سال‌های بعثت را نشان می‌دهد.

این اموال نیز اولاً از محل تجارت و کارهای اقتصادی شخص پیامبر (ص) حاصل شده بود، ضمن آنکه پس از ازدواج با حضرت خدیجه نیز اموال این بانوی بزرگوار در اختیار پیامبر (ص) قرار گرفت که از این محل هزینه‌های زیادی برای مسلمین انجام شد.

برخی، این شائبه را مطرح می‌کنند که یکی از انگیزه‌های رسول گرامی اسلام برای ازدواج با حضرت خدیجه مسائل اقتصادی بوده است اما این موارد از عمق روابط عاطفی میان پیامبر اسلام و همسرشان خبر می‌دهد. آیا دلایل دیگری نیز در رد این ادعا وجود دارد؟

متأسفانه از ریز روابط در عصر جاهلیت (که حدود 15 سال از زندگی مشترک این بزرگواران را شامل می‌شود) اطلاعات چندانی در دست نیست اما اگر رسول خدا چنین هدفی را دنبال می‌کرد می‌توانست به سراغ گزینه‌های دیگری برود. اگر هدف، اقتصاد یا همان دنیا باشد، رسول خدا که از خانواده‌ای شناخته شده بودند و به محمد امین شهرت داشتند، می‌توانستند سراغ دختری از قریش بروند که هم تمکن مالی داشته باشد و هم به لحاظ سن و سال جوان‌تر باشد اما دست به این کار نزدند. در اثبات خوشنامی و اقبال مردم مکه به پیامبر اسلام همین بس که در ماجرای خارج شدن حجرالاسود از محل اصلی خود در زمان جاهلیت، پس از درگیری فراوان میان قبایل برای شخص قراردهنده حجرالاسود در محل خود، قضاوت پیامبر اسلام را معیار قرار دادند که این موضوع نشان می‌دهد پیامبر اسلام می‌توانستند از هر خانواده‌ای زن بگیرند. پیامبر اسلام به‌دنبال شخصی بودند که ایشان را به‌طور کامل درک کند و همراه او در مسیر سخت هدایت باشد.

در تاریخ آمده است که حضرت خدیجه در همان سفرهای اقتصادی دریافت که پیامبر اسلام دارای کمالاتی است که دیگران از آن محرومند و علت این ازدواج، دریافت دوطرف از کمالات یکدیگر است، کمالاتی که ازدواج‌های بعدی پیامبر (ص) نیز نشان می‌دهد که ایشان از ازدواج، اهداف غیردنیایی را دنبال می‌کنند؛ برای مثال، ازدواج پیامبر اسلام با ام‌سلمه به‌دلیل شهادت پدر وی بود تا او را از بی‌پناهی نجات دهد. یا در مورد ازدواج با ام‌حبیبه نیز شاهدیم که همسر ام‌حبیبه پس از مهاجرت به حبشه مرتد شده بود که همین موضوع موجب مورد سرزنش قرارگرفتن ام‌حبیبه از سوی قریش شد و پیامبر اسلام برای نجات‌دادن آن زن، با او ازدواج کردند و جالب آنکه ام‌حبیبه چند سال بعد خدمت رسول خدا رسید. دیگر ازدواج‌های پیامبر اسلام و توجه به نوع زنان نشان می‌دهد هیچ‌گونه اتهام دنیوی و پیگیری شهوات متوجه ایشان نبوده است.

به‌نظر می‌رسد که نوع فرزندداری و تربیت فرزند از سوی حضرت خدیجه دارای اصول و مبانی خاص خود باشد. ایشان در این زمینه چه رفتارهایی داشته‌اند؟

اخبار این قبیل اقدامات حضرت خدیجه مانند سایر معصومین موجود نیست اما برداشت من این است که «هم رأی» بودن حضرت خدیجه با پیامبر اسلام تأثیر بسیار زیادی بر تربیت صحیح فرزندان گذاشت.

یکی از دلایل ناهنجاری رفتاری فرزندان به این موضوع مربوط می‌شود که اختلاف آرمانی پدر و مادر برای فرزندان مشهود شود اما زمانی که فرزندان حضرت خدیجه می‌دیدند آنچه برای پدر قداست دارد، مادر نیز مقدس می‌داند دچار دوگانگی نمی‌شدند. مهم‌تر آنکه شخصیت پیامبر اسلام به‌طور کامل مورد تأیید حضرت خدیجه بود و این موضوع نیز در تربیت صحیح فرزندان نقش بسزایی داشت.

حضرت خدیجه (سلام‌الله علیها) در کنار شأن مادری و همسری برای بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام، مجاهدت‌های فروانی نیز برای رشد و گسترش اسلام انجام داد. این خدمات حضرت خدیجه چگونه در تاریخ به ثبت رسیده است؟

اول اینکه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) ثروت فراوان و عظیم خود را برای اسلام هزینه کرد و این هزینه کرد در سال‌های محاصره اقتصادی در شعب ابی‌طالب به اوج خود رسید. حد فاصل سال‌های هفتم تا دهم بعثت، شخص رسول گرامی اسلام در محدودیت‌های فراوان اقتصادی قرار داشتند و به همین دلیل مسلمین از جیب خود می‌خوردند و درآمدزایی وجود نداشت. در این سال‌ها جان پیامبر اسلام از سوی یهودیان و قریش در خطر بود و کسی حق معامله با ایشان را هم نداشت. طی همین ایام بود که حضرت خدیجه اموال خود را به دست بستگان خود سپرده بود تا به واسطه آنها ارزاق به مسلمین حاضر در شعب برسد.

بستگان حضرت خدیجه، ارزاق را بار شتر می‌کردند و با رم دادن آنها، اقلام را به شعب می‌رساندند تا مسلمانان بر اثر گرسنگی از بین نروند. آنقدر از سرمایه حضرت خدیجه مصرف شد که زمان ارتحال ایشان در سال دهم بعثت تقریباً چیزی از آن باقی نمانده بود.

جهت مشخص شدن جایگاه حضرت خدیجه در تقویت انقلاب پیامبر اسلام در شبه جزیره حجاز باید این موضوع را در نظر داشته باشیم که ایشان از سال اول تا سال 13 بعثت، صرفاً به امور تبلیغی مشغول بودند و دیگر آن انسان فارغ‌البال به حساب نمی‌آمدند که بتوانند کار اقتصادی کنند. ضمن آنکه طی این سال‌ها هیچ جنگی به وقوع نپیوست و به تبع آن هیچ غنیمتی نصیب مسلمین نشد.

سؤال اینجاست که هزینه این زندگی و کمک‌های انجام شده از سوی پیامبر (ص) از چه محلی تأمین می‌شد؟ طبیعی است که همه این موارد را حضرت خدیجه تقبل می‌کرد. اینجاست که می‌گویید اگر ثروت حضرت خدیجه نبود، اسلام به همین راحتی‌ها پا نمی‌گرفت.

این موضوع نشان می‌دهد که مسئله تبلیغ برای اسلام به پشتوانه‌های مالی نیازمند است و امروز هم اگر بخواهیم يك مبلغ را به محلی بفرستیم، باید حداقل‌هایی را برای وی تأمین کنیم. امروز هم که انقلاب ما يك بعثت جدید در دنیای مدرن به حساب می‌آید، اگر بخواهیم در داخل و خارج از کشور پیام امام‌خمینی (ره) را در دل نسل‌ها بنشانیم، نیازمند تقویت اقتصادی کشور و هزینه برای تبلیغ انقلاب اسلامی هستیم. ما به افراد فارغ‌البالی نیاز داریم که با تکیه بر روش‌های جدید، منطق انقلاب اسلامی را صادر کنند. اگر در روزگار پیامبر اسلام شخصی مانند حضرت خدیجه اموال خود را وقف صدور انقلاب پیامبر کرد، امروز نیز به پشتوانه‌های مالی لازم برای صدور منطق اسلام و انقلاب اسلامی نیازمندیم. جالب است که مخالفان پیامبر اسلام پس از رحلت ایشان، نخستین اقدامی که انجام دادند این بود که منابع مالی اهل بیت را به صفر رساندند. در همین راستا بود که فدک (یکی از مهم‌ترین منابع مالی اهل بیت) را غصب کردند و منطقه «بانقیه» که حضرت امیرالمومنین (ع) در آنجا به زراعت می‌پرداختند را از ایشان گرفتند و حتی حقوقشان را از بیت‌المال صفر کردند که همه این موارد نشان از اهمیت مسائل مالی در امر تبلیغ و رساندن منطق اسلام دارد.

حضرت خدیجه این کار را به تنهایی انجام داد و با کنار گذاشتن بخل و بهانه آوردن، متواضعانه سرمایه خود را برای اسلام هزینه کرد. همین مسئله، به تنهایی نشان می‌دهد که این بانوی بزرگوار، عظمت حرکت رسول خدا را به خوبی درک کرد و دریافت این دعوت يك دعوت معمولی نیست و هر اقدامی برکات فراوانی را برای دنیا و آخرت او به همراه خواهد داشت.

نکته دیگری که باید در نظر داشت از این قرار است که حضرت خدیجه در تمام مراحل، روحیه انقلابی خود را حفظ کرد و به هیچ عنوان کم نیاورد.

ایشان حدود 55 سال داشت که رسول گرامی به رسالت مبعوث شدند و پس از آن به مدت 10 سال در سخت‌ترین سال‌های پیامبر اسلام (بعثت، تبلیغ، تحریم، فشارهای اجتماعی، شعب ابی‌طالب و...) پا به پای رسول خدا حضور داشت و این کار بسیار عظیمی است. زندگانی حضرت خدیجه نشان‌دهنده آن است که ایستادن پای اهداف، نیازمند پرداخت هزینه‌های متعدد است که ایشان نمونه بارز آن بود. در پایان این را هم بگویم که به نظر من حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دروازه ورود و توسل به پیامبر اسلام و اهل بیت ایشان است و می‌توانیم برای رسیدن به حاجات خود از ایشان برای نزدیکی هرچه بیشتر به اهل بیت استفاده کنیم.

حضرت خدیجه (س) در مقام همسری

حامی همیشگی پیامبر (ص)

براساس آیات قرآن کریم، زن و شوهر، «لباس» یکدیگر هستند که در اینجا بیشتر به معنای پشت و پناه است و حضرت خدیجه مصداق بارز این تعبیر قرآن کریم برای پیامبر اسلام است. صرف اینکه يك زن بخواهد لباس پیامبر اسلام باشد نیاز به مجد و عظمت فراوان دارد که این مجد در وجود حضرت خدیجه بود، به طوری که پس از لحظه به بعثت رسیدن پیامبر اسلام و آمدن

ایشان از غار حرا به سمت خانه، حضرت خدیجه نخستین فردی بود که به وی ایمان آورد.

حتی پیش از به بعثت رسیدن پیامبر اسلام نیز حضرت یک‌ماه از سال (درماه مبارک رمضان) را در غار حرا عبادت می‌کردند که در آن ایام نیز حضرت خدیجه به‌طور کامل با پیامبر اسلام همراهی می‌کرد و توسط امیرالمومنین (ع) برای ایشان غذا می‌فرستاد.

پشتیبانی روحی حضرت خدیجه از پیامبر اسلام شاید همان موضوعی باشد که کمتر به آن توجه شده است. او علاوه بر اینکه به لحاظ مالی از پیامبر حمایت می‌کرد، به لحاظ روحی نیز بی‌اندازه با همسر خود همراه بود، به‌طوری که در همان روزهای نخست به همراه امیرالمومنین (ع) در مسجدالحرام به پیامبر اسلام اقتدا می‌کرد و با ایشان نماز جماعت می‌خواند و ایمان خود را تنها در خانه نگه نمی‌داشت بلکه در سخت‌ترین شرایط اجتماعی و روحی، دوشادوش پیامبر اسلام بود.

عمق روابط روحی حضرت خدیجه با پیامبر اسلام زمانی مشخص می‌شود که واکنش و عکس‌العمل پیامبر اسلام پس از رحلت ایشان را درنظر داشته باشیم.

در سال دهم بعثت حضرت خدیجه رحلت می‌کند و به فاصله بسیار کمی در همین سال ابوطالب (عموی پیامبر) نیز دار فانی را وداع می‌گوید. شدت غم ارتحال حضرت خدیجه چنان بود که این سال را «عام الحزن» (سال غم و اندوه) می‌نامند. ما در تاریخ زندگی پیامبر جز این یک‌بار، نمی‌بینیم که سالی را به‌عنوان سال اندوه نامیده باشند و حتی در سال وقوع جنگ احد که 70 تن از مسلمین به شهادت رسیدند، چنین نامی برگزیده نشد.

در این سال پیامبر اسلام علاوه بر از دست دادن مهم‌ترین پشتوانه سیاسی، اجتماعی خود (جناب ابوطالب)، مهم‌ترین پشتوانه روحی خود را نیز از دست دادند و تحمل اوضاع برای ایشان بسیار سخت و سنگین شد.

حضرت خدیجه توانسته بود با انجام وظایف همسری به بهترین شکل، به پشتوانه روحی رسول‌الله تبدیل شود و شدت ناراحتی پیامبر از ارتحال ایشان چنان بود که بعدها همواره از حضرت خدیجه یاد می‌کردند و همین موضوع موجب اعتراض برخی از زنان پیامبر (ص) شده بود.

روزی یکی از زنان پیامبر (ص) از ایشان پرسید که چرا اینقدر از خدیجه یاد می‌کنید؟ که حضرت فرمودند: «چرا از او یاد نکنم؟! آن زمان که همه مرا انکار می‌کردند او مرا تأیید کرد و به من ایمان آورد و از اموال خود برای نصرت دین ما هزینه کرد».

یکی دیگر از نشانه‌های عظمت حضرت خدیجه نسبت به سایر زنان پیامبر اسلام، حمل جنین حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) بود که این افتخار نیز به او رسید و اتفاقاتی که در زمان بارداری حضرت خدیجه رخ داده نشان از همخوانی روح حضرت خدیجه با فرزند خود دارد.

دلدادگی رسول خدا به حضرت خدیجه چنان بود که در زمان حیات ایشان ازدواج دیگری از سوی رسول خدا صورت نگرفت و تعدد زوجات پیامبر اسلام به پس از ارتحال حضرت خدیجه بازمی‌گردد.